

## بررسی رابطه اجرای مدیریت مشارکتی با افزایش خلاقیت مدیران زن مدارس متوسطه استان سمنان

ماندانا دارابی زاده

موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی سمنان mani.darabizade@gmail.com

## چکیده

هدف اصلی پژوهش، شناخت رابطه اجرای مدیریت مشارکتی با افزایش خلاقیت مدیران زن مدارس متوسطه استان سمنان «می باشد». این پژوهش درصدد است تا به شناخت و تاثیر اجرای مدیریت مشارکتی در ابعاد گوناگون مثل افزایش کارایی و اثر بخشی فعالیتهای مدیران، تقویت حس وفاداری مدیران نسبت به واحدهای آموزشی، محقق شدن امکانات و نیروها در واحدهای آموزشی و تقویت مهارتهای ادراکی، فنی و روابط انسانی در مدیران مدارس بپردازد. با توجه به ماهیت موضوع از روش تحقیق پیمایشی (زمینه یاب) استفاده شده است. در این روش جمع آوری اطلاعات بطور مستقیم از افراد مطرح می باشد. به این منظور نمونه ۹۲ نفری که شامل مدیران زن مدارس متوسطه مناطق مختلف آموزش و پرورش استان سمنان طبق جدول مورگان و به شیوه تصادفی طبقه ای برگزیده شدند. سپس جهت جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه ای حاوی ۱۸ سؤال بسته تنظیم، که بین نمونه منتخب توزیع و اجرا گردید و اطلاعات گردآوری شده با کد گذاری مربوطه، توسط برنامه کامپیوتری (نرم افزار) *Excel* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. شاخصهای آماری مورد استفاده جهت بررسی فرضیه ها، بر اساس دو روش آمار توصیفی و استنباطی، یعنی جدول توزیع فراوانی، نمودار، اندازه های گرایش به مرکز و پراکندگی از مرکز، آزمون کای اسکور ( $X^2$ ) برای تک تک سوالات پرسشنامه به منظور تعیین میزان برازش فراوانی های مشاهده شده و قابل انتظار، آزمون  $t$  جهت رد یا عدم رد فرضیه های پژوهش استفاده گردید. یافته های پژوهش بیان می دارند که افزایش کارایی و اثر بخشی فعالیتهای مدیران، تقویت حس وفاداری مدیران نسبت به واحدهای آموزشی، محقق شدن امکانات و نیروها در واحدهای آموزشی و تقویت مهارتهای ادراکی، فنی و روابط انسانی در مدیران مدارس، تا حد زیادی با اجرای مدیریت مشارکتی در ارتباط است و اطمینان ۹۵٪، معنی دار می باشد. در پایان نیز با توجه به یافته ها و نتایج تحقیق، پیشنهادهایی ارائه گردیده است.

## واژه های کلیدی

مدیریت مشارکتی - خلاقیت

## مقدمه

تاریخ آموزش و پرورش این حقیقت را مسلم می دارد که جریانات آموزشی و دگرگونی موسسات تربیتی و شیوه های تعلیمی با تحولات اجتماعی و نظام جوامع بشری در ارتباط مستقیم بوده است امروزه

دید تازه ای نیز به این واقعیت جلوه گر شده، به این معنی که قضایای آموزشی در مناسبات خود با مسائل اقتصادی در نظر گرفته می شوند و شناسائی شرایط اقتصادی و مرحله توسعه صنعتی و طرز معیشت عمومی و یا مسائل مربوط به تولید و توزیع ثروت نقش قاطعی را در تحلیل پایه و مایه نظامهای آموزشی کشورهای امروزی و جوامع بشری بر عهده می گیرند. چنین است که بعد از جنگ بین الملل دوم دانشمندان علم و اقتصاد به مسائل فرهنگی و ارتباطی که این قبیل مسائل با توسعه اقتصادی و اجتماعی دارند، با نظر اهمیت مینگرند [1].

امروزه اندیشمندان سازمان و مدیریت بر این باورند که بیش از دو راه در پیش نخواهد بود: مرگ یا نوآوری! در واقع فقدان نوآوری یعنی حرکت به سوی نابودی و پذیرش آن، یعنی فراهم نمودن زمینه های تفکر خلاق در میان کارکنان. در واقع همه آنچه که زندگی را در جهان امروز آسانتر نموده است، ثمره خلاقیت انسانهاست و حال با توجه به این مطلب امروزه پویائی و تحول آموزش و پرورش، به سیاستگذاری، برنامه ریزی، سازماندهی، تصمیم گیری، هدایت و رهبری دقیق، سنجیده و منطقی مدیران در کلیه سطوح و زمینه های مدیریت بستگی دارد. و مدیران جهت ایفای این نقش باید تا حد زیادی از قابلیتهای آفرینندگی، ابتکار و خلاقیت برخوردار بوده و در این مسیر به دنبال استقرار نظام مشارکتی باشند. چون نظام مشارکتی به عنوان زمینه فرهنگی انسان سازی در سازمان تلقی می شود [2]. بنابراین ضرورت دارد جهت بهبود وضعیت مدیریت مشارکتی در مدارس و شناسایی معضلات موجود بر سر این راه و در راستای تقویت زمینه های اجرایی امور مدارس، راهکارهایی اندیشیده شود. لذا مساله اساسی که پژوهشگر در این پژوهش به دنبال آن است ارتباط مدیریت مشارکتی در افزایش خلاقیت مدیران می باشد. چرا که مدیران برای بکارگیری خلاقیتهای خود در جهت حل مسائل واحدهای آموزشی، نیازمند ترغیب و حمایت از طریق تصمیم گیریها در مدارس، اطلاعات ایده ها و راه حلهای پیشنهادی، افزایش یافته و این منجر به اخذ تصمیمات بهتری خواهد شد [3] و افراد از راه مشارکت فرصت می یابند که قابلیتهای ابتکار و آفرینندگی خود را برای نیل به اهداف تعلیم و تربیت شکوفا کنند.

## تعریف واژه ها

## \* مدیریت مشارکتی